

خدا ما را چگونه با نعمت های مادی و کمالات محدود امتحان می‌کند؟

نعمت های مادی و کمالات محدود دنیا از آزمایشات الهی است

خداوند متعال در اداره جهان هستی سنت‌های فراوانی دارد که یکی از آن‌ها، سنت «ابتلاء» است؛ یعنی خداوند در این دنیا بنا دارد همه را به هر صورت که شده آزمایش و امتحان کند؛ هیچ کس از این امتحان الهی مستثنی نیست. ولی ممکن است امتحان هرکس با دیگری متفاوت باشد؛ درست مثل اینکه همه دانش‌آموزان بالاخره در دوران تحصیل یک روز باید امتحان بدهند و هیچ کس از امتحان دادن استثنا نیست، ولی یکی امروز امتحان دارد، یکی فردا و دیگری هفته بعد؛ گذشته از این، یکی امتحان ریاضی دارد، یکی فیزیک، یکی ادبیات فارسی، یکی جغرافیا و آن دیگری چیزی دیگر.

سیستم دنیا نیز به گونه‌ای طراحی شده که همواره در حال ارزیابی ماست. این سنجش، گاهی با مشکلات، سختی‌ها و بیماری‌ها و گاهی با وفور نعمت های مادی و کمالات دنیایی نظیر پول، زیبایی، قدرت، شهرت و مقام صورت می‌گیرد؛ مثلاً گاه با دیدن اموال دیگران، زمینه حسادت و چشم و هم‌چشمی در ما ایجاد می‌شود تا آرامش قلب‌مان محک بخورد. در نقطه مقابل، گاه شخص ثروتمندی با از دست دادن ثروتش، مورد آزمایش قرار می‌گیرد تا روشن شود که با تغییر شرایط، شادی و آرامش و رفتارش با دیگران چه تغییری می‌کند!

در این مقاله قصد داریم با یکی از بزرگ‌ترین امتحانات الهی آشنا شویم. اینکه ما چگونه با نعمت های مادی و کمالات محدود دنیا آزمایش می‌شویم و چطور باید نتیجه را به نفع خود تمام کنیم، مواردی هستند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

حقیقت وجودی ما با دنیا و نعمت های مادی آن در تضاد است

از درس‌های گذشته دانستیم که همه ما به واسطه داشتن فوق عقل، ذاتاً عاشق بی‌نهایت‌ایم و امور گذرا و محدود نمی‌توانند ما را قانع کنند. ذات بی‌نهایت‌طلب ما تحمل عقب ماندن و تحقیر شدن را ندارد و از ضعف، ناتوانی، محدودیت و جواب منفی شنیدن بیزار است و هر کدام از نعمت های مادی و کمالات دنیایی نظیر قدرت، ثروت، حیات، آسایش، علم و زیبایی را در حد بی‌نهایت و مطلق آن می‌خواهد؛ یعنی مدام هوس داریم و از نداشتن چیزهای مختلف احساس تنگی، فشار و کوچکی می‌کنیم.

هیچ کس در این کره خاکی پیدا نمی‌شود که با فرهنگ محدود دنیا کنار بیاید؛ حتی رئیس جمهور آمریکا، صدام، هیتلر، معاویه و یزید هم به دنبال یک حقیقت مطلق، حیات و لذت بالاتر و رفع محدودیت از خود و کسب کمال بی‌نهایت بوده‌اند.

بسیاری از جنگ‌ها، درگیری‌ها، فشارها و کشتارها ناشی از همین حس بی‌نهایت طلبی ما در مواجهه با فضا و امکانات محدود دنیا بوده است. تک تک ما انسان‌ها قبلاً طعم بی‌نهایت را چشیده و حالا موقتاً در تنگنای این دنیا قرار گرفته‌ایم و تا زمانی که به وطن و اصل خود برنگردیم، آرام و قرار نخواهیم گرفت؛ زیرا دنیا سرای نقصان و ضعف است و نمی‌تواند فطرت کمال‌طلب ما را راضی کند. گذشته از این، دنیا خانه تغییر و از دست دادن است؛ هر نعمتی که در دنیا به ما می‌رسد، همواره اضطرابی با خود به همراه دارد؛ به عنوان مثال اگر همسر خوب داشته باشیم، هر لحظه این نگرانی را داریم که چه زمانی از یکدیگر جدا می‌شویم. سایر نعمت‌ها مانند فرزند، سلامتی، خانه، موقعیت شغلی، مقام، جوانی، زیبایی و نشاط نیز همواره در معرض از دست رفتن هستند.

وجود ابدی و بی‌نهایت‌طلب ما فقط و فقط با حیات جاودانه و رسیدن به معشوق حقیقی خود یعنی الله که کمال بی‌نهایت است، آرام می‌گیرد. چه بسیار افرادی که همه نعمت‌ها و کمالات دنیایی را کسب کرده‌اند، اما در نهایت به پوچی رسیده و خودکشی می‌کنند؛ زیرا چیزی که در نهادشان قرار داده شده و باید ارضا شود، از جنس هیچ‌کدام این‌ها نیست. گاهی ما نمی‌دانیم که روح‌مان به دنبال چیست و اشتباهاً آرامشمان

را در کمالات خیالی، جمادی و وهمی، جستجو می‌کنیم؛ مثلاً فقط به دنبال کسب علم و مدارج بالای تحصیلی می‌رویم و حس می‌کنیم که این همان خواسته روحی ماست؛ اما به هر مرتبه از مقاطع تحصیلی که می‌رسیم، اقناعی در خود احساس نمی‌کنیم. قطعاً تاکنون به این مسئله پی برده‌اید که دلیل اصلی فشارها و تضادهایی که در مواجهه با کمالات دنیایی بر ما وارد می‌شود، چیست؟

نعمت های مادی و کمالات محدود دنیا؛ ابزار رشد فوق عقل

گفتیم که دنیا محدود است و نعمت ها و کمالات آن دوام و بقایی ندارد و از این جهت نمی‌تواند فطرت بی‌نهایت‌طلب ما را راضی کند. لذت‌ها، کمالات و نعمت های مادی دنیا هر قدر زیاد باشد، توأم با آفات، بلیات، ضعف‌ها، بیماری‌ها و مشکلاتی است، افزون بر این‌که قابل محاسبه و پیش‌بینی دقیق هم نیست که چه وقت این لذت‌ها خاتمه پیدا می‌کند، یا اگر بلایی در راه است چه وقت می‌رسد.

به نظر شما حکمت وجود این تعارضات و فشارها در زندگی ما چیست؟

آیا این فشارها در روند رسیدن ما به هدف خلقت‌مان فایده‌ای دارد؟

دنیا شبیه باشگاه ورزشی بزرگی است که تمام نعمت‌ها یا سختی‌های آن، حریف‌های تمرینی ما هستند که از طرف خداوند مربی مقتدر این باشگاه بزرگ، برای تقویت روح و فوق عقل ما ایجاد شده‌اند؛ درست شبیه سختی‌های حساب شده‌ای که ورزشکاران، طبق دستورات و برنامه مربی خود متحمل می‌شوند تا به تدریج از لحاظ جسمی، مهیا شده و به مربی خود شبیه شوند.

تمام اتفاقات دنیا اعم از فقر و ثروت، جهل و دانش و بی اخلاقی‌ها برای این است که ما در مسیر رشد و تکامل بخش انسانی خود حرکت کنیم. زندگی دنیا با همه محدودیت‌ها، تلخی‌ها و شیرینی‌هایش، فقط امتحانی برای تعیین عیار شخصیت ماست. در دنیا هیچ چیز جدی و به معنی آخر کار بودن نیست. جنگ‌ها،

درگیری‌ها و دعوایها، شکست‌ها و پیروزی‌ها، ثروت‌ها و فقرها همه و همه برای این است که ما بتوانیم رشد کنیم و با انتخاب‌های درست روز به روز به خدا شبیه‌تر شویم.

دنیا محل امتحان و آزمایش ماست. خداوند آن‌قدر در موقعیت‌های مختلف از ما امتحان می‌گیرد تا اسم بگیریم و شبیه خودش شویم. مسلماً وقتی دنیا را این‌طور بشناسیم که دائماً در حال تزلزل و تحول و انفجار بوده و دائماً قبض و بسط دارد، دل به آن نمی‌دهیم. در این صورت فرقی به حال‌مان نمی‌کند که از نعمت‌های مادی یا کمالات جمادی، گیاهی، حیوانی یا عقلی چه میزان کسب کرده باشیم؛ به عبارتی، فقیر باشیم یا ثروت‌مند، زیبا باشیم یا زشت، متأهل باشیم یا مجرد، بچه‌دار بشویم یا نشویم، در هر صورت شاد و آرامیم؛ چون می‌دانیم که زندگی دنیا چند روزی بیشتر نیست و ما به زودی اینجا را ترک کرده و به حیات ابدی و دیدار معشوق حقیقی خود خواهیم رفت. تمام حیثیت‌های دنیا، در عالم ابدی رنگ می‌بازد و اینکه در دنیا که بودیم و چه بودیم و چه شأن و مرتبه‌ای داشتیم، در حیات ابدی ما جایگاه و ارزشی نخواهد داشت.

علاوه بر این، آن‌چه در دنیا، مصداق عذاب یا سختی یا بلا و مصیبت است، خواه سختی‌هایی که خودمان مسبب آن باشیم، خواه نظام قضا و قدر آن را به ما تحمیل کرده باشد، جزء ثروت و دارایی‌های آخرتی ما در قیامت محسوب می‌شود و هر آن‌چه را که در دنیا نداشته باشیم، معادل صادقش را در آخرت دریافت خواهیم کرد.

در این مقاله دربارهٔ تضادها و تعارضاتی که روح بی‌نهایت‌طلب ما در مواجهه با فضا و امکانات محدود دنیا دارد، صحبت کردیم و گفتیم که فشارها و سختی‌هایی که در مسیر کسب نعمت‌های مادی و کمالات محدود دنیایی بر ما وارد می‌شود، خود از بزرگترین ابتلائات و امتحان‌های خداوند است که سرانجام با وفات ما از این دنیا تمام می‌شوند؛ بنابراین فقط بایستی در جهت رشد بخش انسانی و رسیدن به هدف خلقت‌مان از آن‌ها بهره ببریم. سخت‌ترین امتحانی که خداوند در زندگی از شما گرفته و یا اکنون در آن قرار دارید چه بوده؟ چگونه با آن روبه‌رو شده‌اید؟ برایمان بنویسید.